

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
مدیر مسئول: حسین نصیرلوئی
سر دبیر: نازنین زهرا خوینی
هیبت تحریریه: مهدیه سطوتی، الهه زواره‌ئیان
ویراستار: محمد حسین طارمی

شماره ۱۹
زمستان ۱۴۰۰

سینما جامعه

سینما آزمایشگاه علوم انسانی



بازیگری در ایران مانند همه کشورها از تئاتر سرچشمه می‌گیرد و بازیگری موفق است که بتواند ۲ ساعت نفس به نفس تماشاگر بدهد و با بازی قوی و استفاده از فن بیان و تسلط بر بدن و صدا تماشاگر را بر صندلی میخ کوب کرده و بازخورد بیرونی نقش تا مدت ها ذهن تماشاگر را مشغول کند.

در هر دوره‌ای که عبور می‌کنیم، سینما مطابق با جامعه همان دهه عمل کرده است، در مورد بازیگری در سینما و تلویزیون تا پایان دهه شصت عملاً ستاره‌ای در سینما وجود نداشت و از ظهور ستاره در عرصه سینما و تلویزیون جلوگیری می‌شد. بیشتر فیلم‌ها با مضمون جنگ و استبداد ستیزی در صف تولید قرار می‌گرفت. دهه هفتاد را می‌توان شروع ستاره سازی در سینمای ایران نام برد.

در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد که متفاوت‌ترین دوره با توجه به دوره‌های قبل خود بوده؟ باعث تشکیل کلاس‌های آزاد بازیگری و ساختن فیلم‌های آزادتر شد.

همان طور که می‌دانیم آثار سینمایی از شرایط اجتماعی آن جامعه نشأت می‌گیرد. در واقع سینما یکی از میناهای مطالعه علمی جامعه به حساب می‌آید. اما همیشه برایم سوال است که آیا این فیلم‌ها تاثیری هم بر مشکلات جامعه دارند؟

برای پاسخ به این سوال فقط کافیست کمی در اطراف خود دقت کنیم تا آنوقت تاثیر رسانه به ویژه سینما و تلویزیون را بر زندگی و اجتماع خود ببینیم، یا مثلاً بسیاری از مدها و مدل‌ها ابتدا در سینما نمایش داده می‌شوند و سپس مردم از آنها الگوبرداری می‌کنند.

کافیست کمی به تاثیر انیمیشن‌هایی مانند شرک، عصر یخبندان و تن تن بر روی تفکرات کودکان فکر کنید، آنوقت متوجه عمق این تاثیر گذاری می‌شوید.

پس از گذشت چند سال از پایان فیلم مرد عنکبوتی هنوز هم لباس مرد عنکبوتی در اسباب بازی فروشی‌ها یافت می‌شود یا عروسک شخصیت‌های این فیلم‌ها از پر طرفدارترین و پر فروش‌ترین عروسک‌ها به شمار می‌آید. یا بالعکس می‌تواند مشکلات بیشتر و بزرگ‌تر را به بار آورد.

فیلم و سینما به عنوان یکی از مهم‌ترین وسایل ارتباط جمعی در زندگی روزمره افراد، ساختار زندگی انسان‌ها، حتی اندیشه هر فرد برای چگونه زیستن و همچنین لحن

صحبت کردن آنها است.

به طوری که می‌توان ادعا کرد اندیشه‌ها، عقاید، نگرش‌ها و در یک روند کلی، فلسفه زندگی انسان‌ها با فیلم شکل می‌گیرد، تغییر می‌کند، اصلاح یا تخریب می‌شود. به عنوان مثال زوجی در حال جدایی، با دیدن فیلمی که در آن یکی از طرفین با گذشت و ایثار تداوم دهند زندگی مشترک می‌شود، یا نمایش عواقب و عوارض طلاق، دوباره به هم پیوند می‌خورند و این چیزی جز تأثیر اعجاب انگیز فیلم روی افراد نیست.

و یا بالعکس در خیلی فیلم‌ها اخیراً دیده شد بازیگر معروف سینما در فیلم لحظه به لحظه مشغول کشیدن سیگار بود و همین تأثیر منفی بر روی افراد خواهد داشت؛ حتی فرهنگ عادی‌سازی نگاه‌داشتن سگ و یا زندگی کردن در خانه‌های مجلل و وسایل لوکس با اندکی دقت در زندگی روزانه افراد، می‌توان به نقش فیلم در سلیقه‌سازی و پرورش افکار عمومی پی برد.

در یک نگاه عادی می‌توان گفت رابطه سینما و جامعه، رابطه دو سویه‌ای است و همچنین رابطه بازتابی دارد؛ رابطه بازتابی یعنی آنچه که در سینما است بازتابی از جامعه است. سینما می‌تواند به جامعه شکل دهد اما آیا برخی ستاره‌های سینمای ما به درستی جامعه را شکل داده‌اند؟

مردم جامعه از سلبریتی‌های سینما به خوبی الگو برداری می‌کنند و قبل از هر چیزی به ظاهر و استایل آنها توجه می‌کنند و در صورت تایید فرد به آن عمل خواهد کرد.

باید توجه داشت لباس هر جامعه از باورها و واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی مشخصی حکایت می‌کند.

بازیگرانی که در فیلم‌های سینمایی ظاهر می‌شوند، توسط بسیاری از جوانان و مخاطبان سینما به عنوان الگوها انتخاب می‌شوند و از رفتار و نوع پوششی که در فیلم‌ها دیده‌اند.

تقلید می‌کنند. چه بسا این مرجعیت می‌تواند به نوع پوشش چهره‌های سینمایی در جامعه و خارج از فیلم‌ها نیز گسترش یابد. سینما می‌تواند بر نوع پوشش جامعه اثر داشته باشد.

هر ساله در دهه فجر یعنی در بهمن ماه و در ایام پیروزی شکوهمندانه انقلاب اسلامی، جشنواره فیلم فجر با حضور تعداد زیادی از بازیگران، کارگردانان و سلبریتی‌ها برگزار می‌شود که جدا از اکران فیلم‌ها، بخش مدل لباس بازیگران در جشنواره فیلم فجر بسیار پر حاشیه و خبرساز می‌شود. در واقع از لحظه افتتاحیه تا اختتامیه جشنواره فجر، تیپ بازیگران در جشنواره فجر زیر ذره بین مخاطبین به ویژه عکاسان، طراحان لباس می‌رود و تعدادی از این تیپ‌ها حاشیه ساز شده و بدون شک امسال متفاوت‌ترین دوره از سال‌های قبل بوده.

برخی استایل‌ها نه تنها تأثیر مثبت بر مخاطب نداشته بلکه تأثیر منفی را هم در پی خواهد داشت. برخی پوشش خود نوعی فخر فروشی و حتی مصرف گرایی را به مخاطب القا می‌کند.

بهران چهل سالگی



- الهه زواره‌ئیان (خبرنگار فرهنگی خبرگزاری دانشجو)؛ از قدیم‌الایام می‌گویند کسی که به چهل سالگی می‌رسد به یک پختگی رسیده. به آن‌جا که با چند سال قبل‌اش زمین تا آسمان فرق می‌کند. از بلا تکلیفی درآمده، مصمم‌تر است و دیگر روی پای خودش ایستاده. چهل سالگی جشنواره فیلم فجر اما حکایت برعکس دارد. با یک مرور ساده از زمان اعلام نام فیلم‌ها تا بعدتر و معرفی هیات داوران حتی آن پوستری بی‌سر و ته و در آخر هم حذف جایزه از نگاه تماشاگران، همه‌اش با یک دنده عقب اساسی روبه‌روست. کلاه خود را قاضی کنید و این‌طور نگاه کنید که جشنواره‌ای به این مهمی در سینمای ایران که هر سال بی‌برو و برگرد در موعد مقررش برگزار شده چرا باید تا این میزان بی‌قاعدگی برگزار شود؟! گویی نظم و ترتیب برای جشنواره، تنها در زمان برگزاری و محل نیمه ثابت آن رعایت شده. وقتی هم از بی‌نظمی در فستیوال سینمایی یک کشور حرف می‌زنیم یعنی از تعمیم این بی‌نظمی در یک سال پیش روی سینمای آن کشور حرف می‌زنیم. جدای از بی‌نظمی در محل اصلی اکران فیلم‌ها یعنی برج میلاد که مسائل و مشکلاتش بعد از سال‌ها اعتراض خبرنگاران و اصحاب رسانه هنوز به قوت خودش باقی است، بی‌نظمی امسال برگزارکنندگان با حذف سمیرغ مردمی به حد اعلای خودش رسید. این یعنی رای مخاطب، آن هم فقط مخاطب تهرانی و عده‌ای که معلوم نیست با کدام شیوه حذف و اضافه برایشان پیامک ثبت رای ارسال شده، مهم است که در انتها و با حذف جایزه، گویی نظر همان‌ها هم مهم نیست.

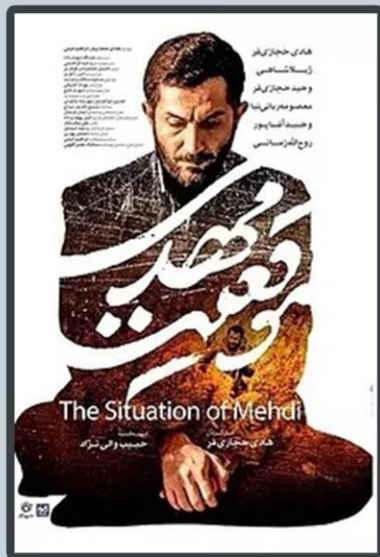
بی‌نظمی یعنی آنجا که انتهای یک فیلم با نریشن بسته می‌شود و از قضا آن فیلم برنده سمیرغ بلورین بهترین فیلم‌نامه می‌شود. بی‌نظمی یعنی انتهای فیلم دیگری چند خط از اسکیزوفرنی می‌نویسند و کمتر از یک ساعت بعد در نشست خبری می‌گویند این را برای مجوز گرفتن اضافه کردیم. بی‌نظمی یعنی همان نشست خبری را برای یک فیلم بلافاصله برگزار کنیم و برای فیلم دیگری با تاخیر. یعنی فیلم‌ها به قدری متوسط و بی‌مایه باشند که خود هیات انتخاب برخی را ندیده باشند و خبرنگاران و مسئولین رسانه‌های مختلف هم جهت خالی نبودن عریضه، سرمایه‌ی ساخت فیلم را دستمایه حاشیه‌سازی و تیرهای زرد سایت‌ها و پست‌هایشان قرار دهند. بی‌نظمی نهایی هم در توضیح شفاف ندادن برای تمام این‌ها رقم می‌خورد و پرونده بسته می‌شود و این برای یک جشنواره عریض و طویل همچون جشنواره فیلم فجر، نقطه ضعف بزرگی به حساب می‌آید.

یک توپ چهل تیکه

در کنار تمام این‌ها اگر راضی به دیدن یک فیلم خوب از بین ۲۲ فیلم اکران شده هم باشید، در آخر ناراضی خواهید بود. تکه پاره بودن جزییات قابل بحث در جشنواره چهلم مثل یک توپ چهل تکه است که در تکه به تکه بیست و دو فیلم، به جز یکی دو فیلم که جایی برای بحث باقی نمی‌گذارند، پخش شده. آش شله قلم کاری که بهترین فیلم‌اش یعنی همان موقعیت مهدی هیچ کدام از جوایز اصلی را نمی‌گیرد و با گرفتن سمیرغ بهترین فیلم نگاه نو هم دوباره روی خوب بودن‌اش تاکید می‌شود اما کارگردانی، فیلمنامه و بازی‌هایش نادیده گرفته می‌شود.

درست است که هیات داوران هر سال جوایز را چون غنای تقسیم می‌کند تا به قول خودمان همه راضی باشند اما

لااقل در جشنواره‌ی اشفته‌ای همچون پارسال نیز فیلم یدو، سمیرغ بلورین بهترین کارگردانی را هم دریافت کرد یا در فجر سی و هشتم، مجید مجیدی سمیرغ فیلم‌نامه و بهترین فیلم را با هم دریافت کرد. این یعنی در چند دوره گذشته که منتقدین زیادی آن‌ها را نسبت به گذشته ضعیف‌تر می‌دانند هم این رویه پابرجا بوده اما امسال اشفته بازاری از بهترین‌ها در گوشه گوشه تمام فیلم‌ها شاهد بودیم و این در اهدای سمیرغ‌ها نیز آشکارا ذوق مخاطب را کور می‌کرد. حاصل آن هم جشنواره‌ی متوسطی بود که ایده‌های خوب و ناب‌اش در شهرک و بی‌رویا از بین رفت، سوژه‌های قابل پرداخت‌اش در بیرو و علف زار از دست رفت، دسته‌ی حرفه‌ای بازیگران‌اش را در مرد بازنده و طراحی صحنه‌اش را در خائن کشی هدر داد و در نهایت بلیط فیلمبرداری و قاب بندی‌هایش را هم در برف آخر سوزاند. چنین جشنواره‌ای اما بی‌توجه به موقعیت بحرانی‌اش در آستانه چهل و یک سالگی، همچنان به جایزه دادن به موقعیت مهدی‌ها ادامه می‌دهد.



تشکل جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

دانشکده علوم پایه، اتاق ۵۵۰
تلفن تماس: ۰۲۸-۳۳۹۰۱۲۵۷



@JAD_Qazvin
@JAD_Qazvin

روی شناسه‌های
روبه‌رو کلیک کنید.